

بی‌گمان همه‌ی ما، چه پدران و مادران و چه آموزگاران، دبیران و کارشناسان آموزش و پرورش، می‌خواهیم دانش‌آموزان خلاق داشته باشیم، اما ممکن است از نقش خود در پرورش چنین دانش‌آموزانی به خوبی آگاه نباشیم. این کم‌آگاهی نسبت به نقش خود باعث می‌شود که عوامل دیگر را نقش‌آفرین اصلی در پرورش توانایی‌های آموزشی در دانش‌آموزان معرفی کنیم. در این یادداشت به مجموعه‌ی عوامل اثرگذار بر پرورش خلاقیت به مانند یک سامانه‌ی یکپارچه نگاهی خواهیم داشت .

چه عواملی در خلاقیت دانش‌آموزان نقش دارند؟ در پاسخ باید گفت همه‌ی عواملی که در آموزش دانش‌آموزان نقش دارند، در بهبود خلاقیت در آن‌ها نیز نقش دارند. این عوامل را می‌توان در پنج بنیان دسته‌بندی کرد: خانواده، معلم، مدرسه، مواد آموزشی و جامعه. اگر تعامل میان این پنج عامل با یکدیگر و با دانش‌آموزان را ورودی یا درون‌داد یک سیستم در نظر بگیریم، بروداد آن می‌تواند بهبود خلاقیت یا کاهش خلاقیت در دانش‌آموزان باشد، بسته به این که تعاملات در راستای پرورش خلاقیت یا برخلاف آن باشد .

اکنون برای این که درون‌داد مناسب برای سامانه‌ی پرورش خلاقیت را ارزیابی کنیم، می‌توانیم کلیدواژه‌ی خلاقیت را در اینترنت جست‌وجو کنیم و هر بار یکی از کلیدواژه‌های خانواده، معلم، مدرسه، مواد آموزش و جامعه را به آن بیفزاییم. با این کار، به مقاله‌ها و یادداشت‌های کارشناسان گوناگون درباره‌ی پرورش خلاقیت دست می‌یابیم. سپس با خواندن این نوشته‌ها می‌توانیم اندیشه‌های مشترک در همه‌ی آن‌ها را بیرون بیاوریم .

اغلب این نوشته‌ها شرایط زیر را برای پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان مهم دانسته‌اند :

- 1) آزادی اندیشه و عمل
- 2) تقویت خیال‌پردازی
- 3) برانگیختن پرسشگری
- 4) احترام به اندیشه‌ی دیگران
- 5) پرهیز از یک‌سونگری
- 6) دادن فرصت اشتباه
- 7) پرهیز از حافظه‌محوری

اکنون شرط شماره‌ی یک را به عنوان نمونه در چارچوب سامانه‌ای که تعریف شد، بررسی می‌کنیم .

خانواده: پدر و مادر تا چه اندازه به فرزندان خود اجازه می‌دهند در مدیریت خانه و خانواده نقش داشته باشند؟ تا چه اندازه از فرزندان خود برای برنامه‌ریزی یک مهمانی یا سفر نظرخواهی می‌کنیم؟ تا چه اندازه به فرزندان خود در انتخاب خوراک و پوشاک آزادی عمل می‌دهیم؟ تا هنگامی که همواره بهترین نظرها فقط برای پدران و مادران باشد، فرصتی برای تمرین اندیشیدن برای فرزندان فراهم نمی‌شود .

معلم: آیا دانش‌آموزان همواره باید مسئله‌هایی را حل کنند که فقط یک پاسخ دارد؟ آیا معلم پذیرش کافی برای اندیشه‌ای مخالف با اندیشه‌ی خود را دارد؟ معلم تا چه اندازه به دانش‌آموزان خود اجازه می‌دهد در فرایند تدریس مشارکت داشته باشند؟ در یک کلاس معلم‌محور که دانش‌آموزان فقط شنونده‌ی سخنان معلم هستند و همان سخنان را باید بر برگه‌ی آزمون درج کنند، جایی برای پرورش خلاقیت نمی‌ماند .

مدرسه: مدیران مدرسه تا چه اندازه از پیشنهادها و پیشنهادهای دانش‌آموزان برای اداره‌ی بهتر مدرسه استقبال می‌کنند؟ اگر معلمی خواست به جای پرسش‌های بسته (که فقط یک پاسخ دارند)، پرسش‌های باز (مانند نقد یک شخصیت تاریخی) مطرح کند،

کدام مدیر از او پشتیبانی می‌کند؟ اگر رتبه‌ی دانش‌آموز در یک آزمون چهارگزینه‌ای برای مدیر مدرسه و خانواده ارزشمندتر باشد، دیگر نمی‌توان به پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان، امیدوار بود .

مواد آموزشی: برنامه درسی تا چه اندازه به معلم در انتخاب محتوا و چگونگی ارزشیابی، آزادی عمل می‌دهد؟ آیا کتاب‌های کمک‌درسی با انبوهی از پرسش‌های بسته با پاسخ‌های سراسر، مجال اندیشیدن را از دانش‌آموزان نمی‌گیرند؟ اگر کتاب درسی یعنی تنها منبعی که باید جمله به جمله‌ی آن را به حافظه سپرد و معلم و کتاب کمک‌درسی یعنی عاملی برای تسهیل این فرایند، اندیشیدن به روش‌های نوآورانه، فقط نوعی تعارف است .

جامعه: مردم و مدیران جامعه تا چه اندازه پذیرای اندیشه‌های نو هستند؟ مردم در بیان اندیشه‌های خود تا چه اندازه آزادی دارند؟ مدیران جامعه تا چه اندازه از نواندیشان پشتیبانی می‌کنند؟ اگر مدیران جامعه اغلب از میان کسانی هستند که فقط یک سخن را بارها تکرار یا یک اندیشه را با لفظ‌های مشابه بازگو می‌کنند و آن‌هایی که نگرش دیگری به مفاهیم و مسئله‌ها دارند باید هزینه‌ی سنگین بپردازند، خلاقیت در جامعه کم‌فروغ می‌شود .

اکنون جامعه‌ای را در نظر بگیرید که مدیران آن پذیرای اندیشه‌های متفاوت هستند و پذیرفته‌اند که با نگاه متفاوت به یک مسئله می‌توان به راه‌حل‌های بهتری برای آن دست یافت. در چنین جامعه‌ای، تولیدکننده‌ی مواد درسی در برنامه درسی، کتاب درسی و چهارچوب ارزشیابی، جایگاه ویژه‌ای برای خلاقیت در نظر می‌گیرد. در نتیجه، مدرسه و معلم، جسارت کافی برای فراهم‌کردن زمینه‌های پرورش خلاقیت پیدا می‌کند .

اما چه هنگام مدیران جامعه پذیرای اندیشه‌های متفاوت می‌شوند؟ هنگامی که پدران و مادران فرهیخته به کودکان خود آزادی اندیشه و عمل بدهند و خود الگویی برای پذیرش اندیشه‌های متفاوت باشند. بی‌گمان پدران و مادران برای ایفای این نقش مهم باید آموزش‌های کافی ببینند. از این رو، باید در برنامه‌ی درسی جایگاه ویژه‌ای برای آموزش خانواده در نظر گرفت و ارتباط معلم و مدرسه با خانواده باید پررنگ‌تر شود .

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان به سامانه‌ی یکپارچه‌ای نیاز دارد که همه‌ی اجزای آن باید به نقش خود آگاه باشند و برهم‌کنش‌های هم‌افزا برای رسیدن به این هدف بزرگ داشته باشند. باید بپذیریم که همه‌ی ما از خانواده تا مدرسه و معلم و از سازمان‌های آموزشی و رسانه‌های گوناگون تا اجزای خرد و کلان جامعه، در افزایش یا کاهش خلاقیت در جامعه‌ی خود نقش داریم. بنابراین، بکوشیم به اندازه‌ی توان خود در آفرینش جامعه‌ی خلاق نقش داشته باشیم .

پیشنهادهایی برای بهبود خلاقیت در دانش‌آموزان

اغلب گمان می‌کنیم که خلاقیت یعنی پدیدآوردن چیزی نو از هیچ و فقط افراد ویژه‌ای هستند که چنین توانایی را دارند. اما خلاقیت اغلب یعنی برداشتی دیگر از اندیشه‌های پیشین، مقایسه‌ی اندیشه‌ها برای رسیدن به اندیشه‌ی تازه، آمیختن طرح‌های پیشین برای رسیدن به طرحی نو، تعریف دوباره‌ی رابطه‌ها و قانون‌ها، کشف رابطه میان اجزای از پیش موجود، و چیزهایی از این دست. بنابراین خلاقیت بیش از آن‌که ذاتی باشد، آموختنی است .

1. گوش شنوا برای پرسش‌های دانش‌آموزان داشته باشید .
2. داستان‌های خیال‌برانگیز برای فرزندان خود بخوانید .
3. از دانش‌آموزان بخواهید داستان‌های نیمه‌تمام را کامل کنند .
4. اندیشه‌ی دیگران را ارزشمند بدانید و به آن توجه نشان دهید .

5. حسارت در بیان اندیشه را با پرهیز از بی‌احترامی به دیگران، آموزش دهید .
6. با فرزندان خود بازی‌های فکری انجام دهید .
7. به فعالیت‌های هنری مانند نقاشی و موسیقی بپردازید .
8. اندیشه‌های کودکانه را کوچک نشمارید و تشویق کنید .
9. بیش از اندازه به نمره‌ی درسی دانش‌آموزان توجه نشان ندهید .
10. از دخالت بیش از اندازه در زندگی فرزندان بپرهیزید .
11. مهارت‌های حسی (مانند دقت در نگریستن) و ذهنی (مانند توانایی مقایسه) را پرورش دهید .
12. درباره‌ی کاربردهای متفاوت یک ابزار یا ماده با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنید .
13. از فرزندان خود نظر بخواهید تا ببینند شما به نگاه دیگران توجه دارید .
14. دو برابر آنچه به فرزندان خود می‌گویید، به سخنان آن‌ها گوش دهید .
15. به جای پرکردن ذهن از اندیشه‌های گوناگون، روش‌های ارزیابی اندیشه‌ها را آموزش دهید .
16. دانش‌آموزان خود را در فرایند آموزش سهیم کنید .
17. دانش‌آموزان را با زندگی دانشمندان و مردمان خلاق آشنا کنید .
18. به جای برنامه‌ریزی برای فرزندان، روش برنامه‌ریزی را به آنان آموزش دهید .
19. مهارت‌های پژوهش را در دانش‌آموزان تقویت کنید .
20. بپذیرید که اشتباه کردن بهتر از پذیرش کورکورانه است .